

به نام عشق و سلام بر تمام عزیزان همراه.

مرگ از دیدگاه مولانا

مرگ از نظر مولانای جان به همین مرگ جسمی ختم نمی‌شود که فکر کنیم زندگی با آن پایان می‌پذیرد. مرگ از نظر ایشان یعنی مردن به من‌ذهنی و کوچک شدن آن، یعنی انسان‌ها که دید جسمی در این جهان یافته‌اند و فرم‌ها را در مرکز خود قرار داده‌اند با مرگ من‌ذهنی این دید در آن‌ها کشته می‌شود و به دید برتری که از چشم عدم می‌آید دست می‌یابند. پس همان‌طور که با مرگ جسمی تولدی جدید آغاز می‌شود، با مرگ من‌ذهنی هم تولدی نو که زنده شدن به خدا و بی‌فرمی است در انسان شروع می‌شود.

آنکه مُردن، پیش چشمش تَهْلُکَه‌ست
اَمْر لا تَلْقُوا بگیرد او به دست
و آنکه مُردن پیش او شد فتح باب
سارعوا آید مر او را در خطاب
مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۳۴۳۴ و ۳۴۳۵

مولانای جان می‌گوید هرکسی مردن به من‌ذهنی برایش مثل هلاکت و نیستی کامل باشد امر «لا تَلْقُوا» او را دستاویز قرار داده‌است، ولی کسی که مردن به من‌ذهنی برایش «فتح باب» باشد یعنی گشودن دری به‌سوی خدا، چنین کسی باید طبق خطاب «سارعوا» بشتابد و هرچه زودتر خود را از بند این من‌ذهنی آزاد کند. پس مرگ‌بینان را به شتاب در نابودی خود دعوت می‌کند و «حشر بینان» را به هرچه زودتر زنده شدن به خدا فرامی‌خواند.

الْحَذَرُ ای مرگ‌بینان، بارعوا
العجل ای حشر بینان، سارعوا
مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۳۴۳۶

ای کسانی که مرگ جسمی را نیستی کامل و هلاکت شامل به شمار می‌آورید، در رسیدن به مرگ و نابودی خویش بر یکدیگر برتری بجوید.
ای کسانی که رستخیز را دیده‌اید، عجله کنید، شتاب کنید.

و خداوند در قرآن می‌فرماید:

—وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ.

بر یکدیگر پیشی بگیرید برای آموزش پروردگار خویش و رسیدن به آن بهشت که پهنایش به قدر همه آسمانها و زمین است و برای پرهیزگاران مهیا شده است.

قرآن کریم، سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۳۳

پس هرچه ما در فضاگشایی کردن پیشی بگیریم، بیشتر هم آسمان درون ما گشوده می‌شود و زمین ذهن ما ساده و آماده پذیرش پیام‌های بکر خداوند می‌شود.

و خداوند به کسانی که مرگ جسمانی یعنی مردن به من‌ذهنی را قهر و عذابی برای خود می‌پندارند می‌گوید در غم و بلا باشید، ولی به کسانی که چنین مرگ را لطف خداوند می‌بینند می‌گوید که شادی کنید.

الصَّلا ای لطف‌بینان، افرحوا
الْبلا ای قهر بینان، اترحوا
مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۳۴۳۷

ضیافت در پیش است، ای کسانی که مرگ جسمانی را لطف حق می‌شمردید، شادی کنید. بلا در پیش است ای کسانی که مرگ جسمانی را قهر و عذاب می‌بینید، غمگین شوید.

مثلاً ما می‌بینیم که چطور وقتی چیزی را از دست می‌دهیم یا یک همانیدگی از ما گرفته می‌شود، ناراحت شده و خود را در غم فرو می‌بریم و ناله و شکایت می‌کنیم، اما همین که پذیرای اوضاع و شرایط پیش‌آمده می‌شویم و به خدا توکل می‌کنیم، چنان فضای درونمان باز می‌شود که دیگر غم و غصه‌ای نمی‌ماند و دلی آرام می‌یابیم.

بنابر این مرگ از دید هر شخصی متفاوت است و هم رنگ اوست. اگر دید من ذهنی داشته باشیم، آن را دشمن خود می بینیم و فکر می کنیم که با چنین مرگی زندگی ما به جهنم تبدیل می شود و در بلا می افتیم. ولی اگر دید فضای عدم را داشته باشیم، یوسفیت خود را در آن می بینیم و برای ما زیبا و زنده کننده است.

هر که یوسف دید، جان کردش فدی
هر که گرگش دید، برگشت از هدی
مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۳۴۳۸
-هدی: هدایت

مرگ هر یک ای پسر هم رنگ اوست
پیش دشمن، دشمن و، بر دوست، دوست
مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۳۴۳۹

پیش تُرک، آینه را خوش رنگی است
پیش زنگی، آینه هم زنگی است
مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۳۴۴۰

برگرفته از برنامه ۹۴۷

با سپاس فراوان، مهردادخت از چالوس